



بررسی

رفتار انزواطلبی

کودکان در خانواده

دفتر مشاوره و تحقیق امورتربیتی

رضانوری

طرف کودکان و نوجوانان برای پدران و مادران و معلمان و مربیان رنجشی را به همراه نمی آورد و برای آنها مزاحمتی ایجاد نمی کند. در حالی که در طرف مقابل، رفتار پرخاشگرانه بیشتر به عنوان مسئله از طرف اولیا و مربیان مطرح می شود. زیرا کودک و یا نوجوان پرخاشگر برای دیگران مزاحمت و رنجش فراهم می آورد. ولی باید توجه داشت که کودک و نوجوان انزواطلب و گوشه گیر در درون خود احساس ناامنی و بی کفایتی و ناشادی می کند و بیشتر به درون خود پناه می برد. در حالی که کودک پرخاشگر این حالات درونی خود را به صورتی دیگر ظاهر می سازد و به دنیای بیرون حمله ور می شود و بنابراین با هر دوی آنها باید به عنوان مشکل و مسئله رفتاری برخورد نمود.

به هر حال این حقیقت که عده ای از کودکان منزوی به بزرگسالان ناشاد و بی لیاقت از نظر اجتماعی تبدیل خواهند شد، به تنهایی دلیل کافی برای توجه به این مسئله است. مشکل رفتاری انزواطلبی و گوشه گیری در جامعه ما به نحو بارز و روشنی در میان کودکان و نوجوانان مشاهده می شود، تا بدان حد که تعداد قابل توجهی از کودکان و نوجوانان مادر جریان تحصیل و امور اجتماعی خود از این مسئله رنج می برند.

مسئله انزواطلبی و گوشه گیری از آنجا بسیار مهم و حساس جلوه می کند که غالب اولیا و مربیان ما این رفتار را به عنوان یک مسئله و یا اختلال رفتاری نمی شناسند و برای آن اولویتی در درمان قائل نیستند و این شاید به آن دلیل است که این نوع رفتار از

● مقدمه

رفتار انزواطلبی و کسروئی به عنوان یک اختلال رفتاری، یکی از جدی ترین مشکلات کودکان و نوجوانان می باشد. کودک کسرو هر چند که برای دیگران ناراحتی و رنجشی را ایجاد نمی کند ولی مسکن است به سبب رنج ناشی از احساس ناامنی و بی کفایتی در خود، یکی از ناشادترین کودکان باشد و در نتیجه پیوسته به دنیای بیرون خویش پناه می برد. اگر در مورد رفتار غیر اجتماعی این گونه کودکان و نوجوانان چاره ای اندیشیده نشود، احتمالاً آنان خطرناکترین و مساعدترین وضع را برای ابتلاء به بیساریهای روانی شدیدتر مانند (اسکیزوفرنی) خواهند داشت. هر چند که همه کودکان منزوی به بیماری روانی دچار نمی شوند.



همکاری و مشارکت لازم را نداشته و یا از شرکت در بازیهای دسته جمعی خودداری کند و از جهت کلامی در عین آن که قادر به تکلم و صحبت می باشد، کمتر رابطه برقرار کند و در بیان خواسته ها و نظرات خود در بین دیگران از توانایی و کفایت لازم برخوردار نباشد.

علائم تشخیص نیز در اختلال رفتاری

انزواطلبی به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱- احساس زودرنجی
- ۲- خجالتی بودن به طور دائمی
- ۳- احساسی شکست و نومیدی
- ۴- احساس ناایمنی و بی کفایتی
- ۵- داشتن وابستگی و اتکا به دیگران
- ۶- روابط اجتماعی محدود و کم با دیگران (همکلاسیها، معلمان ...)
- ۷- حالت گریز و اجتناب از برخورد به طور آشکار

۸- ترس

۹- بی حوصلگی

۱۰- ضعف در تمرکز فکر

۱۱- مات شدن

الف- متغیرهای اصلی تحقیق

در این تحقیق متغیرهای اصلی تحقیق عبارتند از:

- ۱- رفتار انزواطلبی و گوشه گیری که خود در جامعه ما و در میان دانش آموزان باید مورد توجه و کمیت و کیفیت آن مورد بررسی قرار گیرد، یکی از اصلی ترین متغیرهای این تحقیق می باشد، این تحقیق در صدد آن است که هم میزان شیوع این رفتار را در مقایسه با سایر اختلالات رفتاری دیگر و هم ویژگیها و خصوصیات این رفتار را مورد تحقیق و بررسی قرار دهد.

- ۲- متغیر دوم در این تحقیق دوره بلوغ می باشد وجود رفتار انزواطلبی و گوشه گیری مخصوصاً در میان پسران، در

تأسف بیشتر آن که برخی از اولیا و مربیان نه تنها این رفتار را مسئله و مشکل رفتاری نمی شناسند، بلکه یک خصیصه و صفت مثبت نیز برای کودک و نوجوان خود بشمار می آورند و به تقویت آن نیز می پردازند.

● تعریف رفتار انزواطلبی و گوشه گیری

متخصصان روانشناسی و روان پزشکی به عناوین و نامهای گوناگونی، اختلال رفتاری انزواطلبی را در کودکان و نوجوانان مورد بحث و توصیف قرار داده اند که در بین آنها به لحاظ خصوصیات، شباهتهای وجود دارد ولی در عین حال به لحاظ شدت و نوع اختلال تفاوتهایی نیز دیده می شود. مهمترین عناوینی که در خصوص رفتار انزواطلبی و گوشه گیری از دیدگاههای مختلف مورد بحث قرار گرفته اند، عبارتند از:

۱- کناره گیری

۲- انزواطلبی اجتماعی

۳- صامت بودن انتخابی

۴- اختلال اجتنابی یادوری گزینی در کودکان و نوجوانان

۵- اختلال اسکیزوتیپد در کودکان و نوجوانان

۶- آشفتگی های عاطفی یا افسردگی در کودکان و نوجوانان

۷- اوتیسم

صرف نظر از تفاوتهای موجود در بین عناوین فوق و برخورد مقایسه ای، و برای آن که در این مقاله نیز جمع بندی مشخصی از رفتار انزواطلبی را ارائه دهیم، می توان گفت که رفتار انزواطلبی و گوشه گیری در بین کودکان و نوجوانان به رفتاری اطلاق می شود که در آن: «کودک از برخورد با دیگران (افراد ناآشنا و غیر فامیل) احتراز کند و به صورت افراطی سعی در جدا شدن از آنها داشته باشد، در فعالیتهای گروهی،

سنین بلوغ و نوجوانی از ویژگی خاصی برخوردار می باشد زیرا معمولاً جامعه از پسران خصوصاً در هنگام بلوغ بیشتر انتظار دارد تا رفتار پرخاشگرانه و تهاجمی از خود داشته باشند و لذا وجود این گونه رفتار خود قابل بررسی و تعمق بیشتری می باشد.

۳- مسئله سوم در این تحقیق، ارتباط ساخت خانواده با رفتار انزواطلبی دانش آموزان است.

در این تحقیق جنبه های زیر و ارتباط آن با رفتار انزواطلبی و گوشه گیری دانش آموزان مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است:

- طبقه اجتماعی خانواده (شغل و تحصیلات پدر و مادر)
- وضعیت اقتصادی خانواده (درآمد، وضعیت سکونت)
- نوع روابط اجتماعی خانوادگی (میزان معاشرت و رفت و آمد با دیگران)
- فقدان والدین
- تعداد برادران و خواهران
- ترتیب تولد کودکان و نوجوانان مورد مطالعه

□ سابقه سلامت و رشد در خانواده (وضعیت رشد و سلامت دانش آموزان از ابتدای تولد

تاکنون و همچنین وضعیت سلامت پدر و مادر و سایر اعضای خانواده)
□ نوع رفتار والدین نسبت به فرزندان (روابط تربیتی)
□ خصوصیات شخصیتی پدران

ب- هدفها یا سوالات ویژه تحقیق

در هر تحقیق باید هدفها و سوالات ویژه را مورد نظر و ملاحظه قرار داد. در این تحقیق هدفها یا سوالات ویژه عبارتند از:

- ۱- رفتار انزواطلبی در میان دانش آموزان (پسران مدارس راهنمایی) در مقایسه با سایر اختلالات رفتاری دیگر به چه میزان است؟ در این سؤال درصدد آن هستیم تا براساس گزارش مربیان تربیتی مدارس تهران، آمار انزواطلبی را در بین دانش آموزان پسر راهنمایی در جامعه شهری تهران مشخص نمایم تا شیوع این اختلال معلوم شود.
- ۲- دانش آموزان انزواطلب و گوشه گیر دارای چه خصوصیات رفتاری و شخصیتی می باشند؟
در این سؤال براساس گزارش مربیان تربیتی و معلمان درصدد یافتن این پاسخ هستیم که دانش آموزان انزواطلب و گوشه گیر دارای چه خصوصیات و صفات غالب شخصیتی می باشند. تا بعد از شناخت خصوصیات آنها بهتر بتوانیم به رفع مشکل آنها اقدام نمایم.
- ۳- وضعیت تحصیلی دانش آموزان انزواطلب و گوشه گیر چگونه است؟
در این سؤال سعی ما بر این است که به توصیف وضعیت تحصیلی این کودکان بپردازیم تا از این طریق رابطه مشکلات تحصیلی و رفتار انزواطلبی مشخص گردد.
- ۴- دانش آموزان انزواطلب و گوشه گیر دارای چه ساخت خانوادگی می باشند؟
در این سؤال که یکی از سوالات محوری و عمده تحقیق محسوب می شود ساخت

* کودک و نوجوان انزواطلب و گوشه گیر در درون خود احساس ناامنی و بی کفایتی و ناشادی می کند و بیشتر به درون خود پناه می برد.

خانوادگی کودکان و نوجوانان انزواطلب به لحاظ مشخصات خانوادگی، سابقه رشد و سلامت در خانواده، نوع روابط خانوادگی و نگرشهای تربیتی و شخصیت پدران دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفته است و سعی شده است که ارتباط این عوامل با رفتار انزواطلبی مشخص گردد.

ج- آزمودنیهای تحقیق و روش گزینش آنها

در این تحقیق، آزمودنیها از میان دانش آموزان پسر مدارس راهنمایی تهران انتخاب شده اند که حداقل سن آنها ۱۱ و حداکثر سن آنها ۱۷ سال و میانگین سنی آنها ۱۴ سال می باشد. در ابتدای این پژوهش (مهر ماه سال ۶۴) از کلیه مربیان تربیتی مدارس راهنمایی تهران خواسته شد تا دانش آموزان دارای اختلالات رفتاری گوناگونی را شناسایی و معرفی کنند. در مرحله بعد از میان دانش آموزان معرفی شده کلیه دانش آموزان انزواطلب در سطح راهنمایی تهران که منظور اصلی ما در این پژوهش بودند مورد مطالعه و تحت پوشش تحقیق واقع شدند. در این مرحله تعداد دانش آموزان انزواطلب در مجموع مناطق بیست گانه تهران ۲۶۷ نفر (۱۴۸ نفر در منطقه ۱ تحقیق و ۱۱۹ نفر در منطقه ۲) تحقیق گزارش شده بودند. از این تعداد در طی مراحل مختلف تحقیق که حدود یک سال به طول انجامید، به علل گوناگون

مانند تغییر محل تحصیل دانش آموز، عدم بگیری به موقع و منظم برخی از مربیان تربیتی، اعزام مربیان به جبهه، عدم همکاری برخی از معلمان و... تعدادی حذف گردیدند و در مرحله نهایی تحقیق به تعداد ۸۴ نفر رسیدند. در این مرحله نیز به دلیل آن که بعضی از دانش آموزان با ملاکهای تعیین شده برای تشخیص رفتار انزواطلبی مطابقت کافی را نداشتند تعداد ۱۷ نفر از آنان نیز حذف گردیدند و نهایتاً آزمودنیهای این تحقیق به ۶۷ نفر رسید که در دو منطقه ۱ و ۲ تحقیق به صورت زیر قرار گرفتند:

□ در منطقه ۱ تحقیق: تعداد ۳۱ نفر، که شامل مناطق ۱ تا ۸ آموزش و پرورش تهران می باشد (مناطق شمالی خیابان انقلاب)
□ در منطقه ۲ تحقیق: تعداد ۳۶ نفر، که شامل مناطق ۹ تا ۲۰ آموزش و پرورش تهران است (مناطق جنوبی خیابان انقلاب)

د- روش تحقیق و وسایل جمع آوری اطلاعات

در این تحقیق با روش تجربی و میدانی از مربیان، معلمان و خانواده (پدر و مادر) در ارتباط با دانش آموزان انزواطلب، اطلاعات لازم کسب گردیده است.

ه- نتایج و تحلیل داده ها

داده های گردآوری شده تحقیق براساس ۵ سؤال و هدف ویژه به شرح زیر مورد بحث و تحلیل قرار گرفت:

□ سؤال اول: میزان شیوع اختلال رفتاری انزواطلبی در مقایسه با سایر اختلالات رفتاری چگونه است؟

میزان مجموع مشکلات رفتاری در کل جمعیت تحقیق ۳۳٪ (یعنی در هر ۱۰۰۰ نفر ۳۳ نفر دارای انواع مشکلات رفتاری

می باشند)، در منطقه ۱ تحقیق ۳۹٪ و در منطقه ۲ تحقیق ۲۸٪ می باشد. همچنین داده‌ها نشان می دهند که انواع مشکلات رفتاری همراه با افزایش سن دانش آموزان شیوع بیشتری پیدا می کنند.

در بین انواع اختلالات رفتاری، ۵ مشکل رفتاری: برخاشگری، انحرافات جنسی، انزوایی، دروغگویی و حساسیت و زودرنجی از شیوع بیشتری برخوردار بود و ترتیب این مشکلات در کل جمعیت تحقیق و مناطق ۱ و ۲ تحقیق به صورت زیر می باشد:

کل جمعیت تحقیق: ۱- برخاشگری
۲- انحرافات جنسی ۳- انزوایی و گوشه گیری ۴- دروغگویی ۵- حساسیت و زودرنجی

منطقه ۱: ۱- برخاشگری ۲- انزوایی و گوشه گیری ۳- دروغگویی ۴- انحرافات جنسی ۵- فرار از مدرسه و حساسیت و زودرنجی

منطقه ۲: ۱- انحرافات جنسی ۲- برخاشگری ۳- انزوایی و گوشه گیری ۴- دروغگویی ۵- حساسیت و زودرنجی

اولاً در دوره نوجوانی و بلوغ، همراه با افزایش سن و نزدیک شدن به مرحله بلوغ، مشکلات رفتاری دانش آموزان بیشتر می شود و این مسئله بیش از پیش اهمیت رسیدگی و توجه به دوران بلوغ و مدارس راهنمایی را خاطر نشان می سازد. البته در مورد همه مشکلات رفتاری وضع بدینگونه نبوده است و در برخی مانند دروغگویی و ترس، این مسئله کاملاً برعکس و همراه با افزایش سن از میزان آنها کاسته شده است.

ثانیاً - دو مشکل رفتاری «انزوایی و گوشه گیری» و «برخاشگری» در هر سه تقسیم بندی (کل جمعیت و مناطق ۱ و ۲) در مرتبه‌های اول تا سوم قرار داشتند. این مسئله نشان می دهد که می توان این دو

مشکل رفتاری را سرمنشایی برای سایر مشکلات دانست. و از همین مسیر به مطالعه و درمان سیر مشکلات پرداخت.

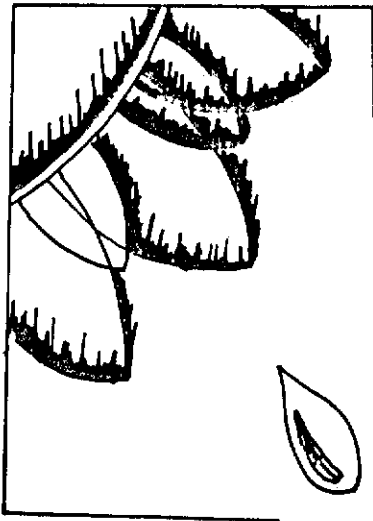
□ سؤال دوم: خصوصیات رفتاری دانش آموزان انزوایی چیست؟

به طور کلی از مجموع داده‌ها چنین نتیجه گیری می شود که دانش آموزان انزوایی دارای خصوصیات رفتاری زیر می باشند:

- ۱- احساس زودرنجی
- ۲- خجالتی بودن دائمی
- ۳- عدم احساس امنیت
- ۴- عدم احساس پیروزی و موفقیت در کارها
- ۵- عدم رقابت و درگیری فعال با همسالان
- ۶- کمبود خلاقیت و ابتکار
- ۷- تعامل اجتماعی محدود با دیگران (خصوصاً با معلمان)
- ۸- نقش انفعالی در هنگام شرکت در گروه و بازی
- ۹- احساس ناراحتی و اضطراب در کلاس (خصوصاً در هنگام مورد سؤال واقع شدن)
- ۱۰- فعالیت محدود و بی میلی نسبت به امور فوق برنامه
- ۱۱- فقدان محبوبیت لازم در بین همسالان
- ۱۲- در عین وجود خصوصیات منفی فوق، داده‌ها نشان می دهد که دانش آموزان از مسئولیت پذیری زیاد و دقت و هشیاری لازم در انجام امور برخوردار می باشند.

البته باید در نظر داشت، در صورتی که

*** رفتار انزوایی و کمروئی به عنوان یک اختلال رفتاری، یکی از جدی ترین مشکلات کودکان و نوجوانان می باشد.**



خصوصیات فوق به طور مستمر و تقریباً دائمی در رفتار دانش آموزان وجود داشته باشد، می توان آنها را به عنوان انزوایی و گوشه گیر شناسایی کرد.

بررسی خصوصیات فوق نشان می دهد که این دانش آموزان:

اولاً: از اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستند و چه بسا واقعیت خود را آن گونه که هست نپذیرفته اند و در درون خود احساس ناشادی و ناامنی بسیار می کنند، در کارها از احساس پیروزی و اعتماد به نفس لازم برخوردار نیستند و در برخورد با دیگران (خصوصاً همسالان) به صورت انفعالی برخورد می کنند و برای همین خلاقیت و ابتکار در رفتار آنان کمتر به چشم می خورد.

ثانیاً: در محیط مدرسه و در جو آموزشی و تربیتی مدرسه نیز از امنیت و محبت لازم برخوردار نیستند و از روابط اجتماعی کافی (خصوصاً با معلمان) بهره مند نمی باشند. این دانش آموزان خصوصاً در محیط کلاس و خصوصاً در هنگام پرسیدن درس، احساس ناامنی و اضطراب زیاد می کنند و متأسفانه علی رغم وجود احساس مسئولیت پذیری و دقت و هشیاری در آنها، به نظر می رسد که از

طرف محیط آموزشی و تربیتی مدرسه، نقش فعالی به آنها واگذار نشده باشد.

ثالثاً: در بین همسالان خود نیز جای چندانی ندارند. در حالی که لازمه این سنین برخورد فعال با همسالان و دوستان می باشد و علی رغم نیاز این دانش آموزان به ارتباط با همسالان (که داده ها نشان می دهد که بیشتر این دانش آموزان در بازیها و گروه همسالان شرکت می کرده اند) ولی متأسفانه این دانش آموزان در بین همسالان خود از محبوبیت چندانی برخوردار نیستند و لذا احتمالاً از طرف گروه همسالان نقش چندانی به آنها واگذار نشده است و همین می تواند موجبات انفعالی شدن و عدم رقابت فعال و نهایتاً گوشه گیری و انزواطلبی را در آنها فراهم آورده باشد.

□ سؤال سوم: وضعیت تحصیلی دانش آموزان انزواطلب چگونه است؟

اگر چه در کل جمعیت تحقیق (۶۷ نفر)، توزیع دانش آموزان در سه کلاس اول و دوم و سوم راهنمایی تقریباً مساوی است، اما میانگین سنی آنها تقریباً بالا می باشد (۱۴ سال) و این در حالی است که حداکثر سن به طور طبیعی برای دانش آموزان دوره راهنمایی ۱۴ سال می باشد.^۱

تعداد دانش آموزانی که در طول دوره راهنمایی مردود شده اند، در کل جمعیت تحقیق ۱۶ نفر (در منطقه ۱، ۹ نفر و در منطقه ۲، ۷ نفر) است. این یافته ها، حائز این اهمیت اند که حدود ۲۵ درصد از این دانش آموزان تنها در دوره راهنمایی مردودی داشته اند و تعداد قابل توجهی از مابقی دانش آموزان نیز در کلاسهای مختلف دوره راهنمایی دارای تجدیدی بوده اند. و در حدود نیمی از دانش آموزان (چه در کل جمعیت و چه در مناطق ۱ و ۲) معدل کمتر از ۱۴ داشته اند.

همچنین داده ها نشان می دهند که در مجموع دوران تحصیل (ابتدایی و راهنمایی) نیمی از دانش آموزان با تغییر محل تحصیل روبرو بوده اند.

بیشتر این دانش آموزان در طول دوران تحصیل خود نیز دارای انواع مشکلات و ناسازگاریهای رفتاری بوده اند.

● دوره قبل از دبستان: حدود ۴۰ درصد از دانش آموزان دارای آموزش قبل از دبستان بوده اند و اکثریت قریب به اتفاق آنها دارای انواع ناسازگاریهای رفتاری در ارتباط با محیط کودکان خود بوده اند. در میان انواع مشکلات، مسئله ترس بیشتر دیده شده است (ترس از مریبان، ترس از کودکان، ترس از سایر همسالان).

● دوره دبستان: حدود ۶۵ درصد از دانش آموزان دارای انواع ناسازگاریهای رفتاری با محیط دبستان خود بوده اند. بی میلی در رفتن به مدرسه و عدم ارتباط دوستانه با سایر همسالان در مقایسه با سایر مشکلات از بالاترین میزان برخوردار بوده است.

● دوره راهنمایی: حدود ۶۶ درصد از دانش آموزان در دوره راهنمایی نیز دارای انواع ناسازگاریها با محیط مدرسه خود بوده اند. بی میلی در رفتن به مدرسه، عدم ارتباط دوستانه با دیگران و دشواریهای تحصیلی در مقایسه با سایر مشکلات از بالاترین میزان برخوردار بوده است.

بنابر این می توان از مجموع داده های فوق چنین نتیجه گرفت که:

اولاً: تعداد قابل توجهی از دانش آموزان انزواطلب، بالاتر از سنین طبیعی خود در مدارس مشغول به تحصیل اند این مسئله می تواند احتمالاً با رفتار انزواطلبی آنها در محیط مدرسه مرتبط باشد.

ثانیاً: بیشتر دانش آموزان انزواطلب دارای وضعیت تحصیلی مناسبی نیستند و تعداد

قابل توجهی از آنها دارای عقب افتادگی تحصیلی هستند و تعداد قابل توجهی از آنها نیز به لحاظ وضعیت درسی در کیفیت مناسبی بسر نمی برند و این در حالی است که به لحاظ هوشی در وضعیت عادی بسر می برند و با کمبودی روبرو نیستند.^۲

ثالثاً: داده ها نشان می دهند که بیشتر این دانش آموزان در طول دوران تحصیل و از ابتدای شروع تحصیل خود همواره در تطابق و سازگاری با محیط مدرسه خود دچار مشکل بوده اند و در این میان مشکل عمده آنان نیز مشکل ارتباط جمعی و رفتار اجتماعی آنهاست. زیرا بیشتر آنها نمی توانسته اند تعامل متقابلی با محیط اجتماعی مدرسه خود برقرار سازند و به نظر می رسد که دانش آموزان در محیط با دو مشکل مهم روبرو می باشند که نسبت به آنها شناخت کافی ندارند و همین عدم شناخت، موجبات ناسازگاری و یا ناراحتی را برای آنها فراهم کرده است:

اول تحصیل و کسب مهارتهای تحصیلی و دوم که شاید مهمتر نیز باشد، نحوه ارتباط و تعامل با دوستان و همسالان و معلمان و در حقیقت این دانش آموزان رفتار اجتماعی را به درستی نیاموخته اند.

ادامه دارد

